

صحیفة الحسین علیہ السلام

[29] سپاس خدا را که کار سادات جوانان بهشت را به سعادت پایان داد، بهشت را برای آنان واجب ساخت، از خدا می خواهم رتبه های آنان را فراتر برد، ورحمت خود را بر آنان بیشتر گرداند، چه او کار داری تواناست ". این سخنان آنچنان تأثیری بر حاضران گذاشت که یزید با دیدن آثار وعلائم ناخوشایندی در چهره ایشان گفت: خدا بکشد پسر مرجانه را، من راضی به کشتن حسین نبودم. خطبه امام سجاد (علیه السلام) در شام توقف اسیران در شهر شام برای آنان فرصت خویی بود تا مردم شام، که در اثر تبلیغات سالیان متمادی معاویه شناخت صحیحی از اسلام و خاندان پیامبر نداشتند، را آگاهی دهند، از اینرو امام سجاد (علیه السلام) و عمه اش حضرت زینب از این فرصت ها به خوبی استفاده کردند واز هر مناسبتی در این زمینه بهره برداری نمودند. روایت شده روزی یزید دستور داد منبری گذاشته تا خطیب بر فراز آن رفته، ودر نکوهش حضرت علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) سخنانی را برای مردم ایراد کند، خطیب بالای منبر رفت وپس از حمد و ستایش خداوند سخنان زیادی را در نکوهش آنان بیان نمود، و سپس در مدح و ستایش معاویه ویزید سخن گفت واز آنان به نیکی یاد کرد. امام سجاد (علیه السلام) از میان جمعیت بانگ زد: وای بر تو ای خطیب، خشنودی خلق را به خشم خالق خریدی و جایگاهت را در آتش دوزخ آماده کردی، سپس گفت: یزید اجازه می دهی بالای این چوبها ! ! رفته و
